8 ش
رض

پانچ شد

باسمه تعالی

فهرستبرگه منابع چاپ سنگی ـ اداره مخطوطات

شماره ثبت:	۱۵۷۰۶
رده‌بندی دیویی:	۱۳٤۰ ر ۷۹۵ ف ۲۹۷/۳۶ مرجع □
سرشناسه:	فقیه تبریزی، محمد اسماعیل.
عنوان قراردادی:	
عنوان:	رساله رضاعیه
شرح پدیدآور:	
کاتب:	تاریخ کتابت:
محل نشر:	[تبریز] ناشر: [بی نا] تاریخ نشر: ۱۳٤۰ ق
صفحه شمار:	۲۸ ص مصور □ درسی □ گراور یا افست □
زبان:	فارسی ابعاد: ۲۲×۱۷ نوع خط: نسخ
روش تهیه:	وقفی ☑ اهدایی □ خریداری □ ارسالی □
واقف:	میرزا محمد فقیه تاریخ ثبت: مهر ۱۳۳۹
یادداشتها:	
موضوع(ها):	۱. شیر مادر (فقه)
شناسه(های) افزوده:	الف. فقیه، محمد، واقف. ب. عنوان.
فهرستگار:	شیبانی تاریخ فهرستگاری: دی ۸۷.

۲۹۷/۲۶
۷۹۵۱ ف
۱۶۰
اسید زدایی شد
۱۶/۶/۲۹

کتابخانه آستان قدس

۲۹۷/۲۶
تب ۲

اسم کتاب رضاعیه فارسی
مصنف شیخ اسماعیل فقیه تبریزی
مؤلف
خطی چاپ سنگی شیخ تبریز
چاپی
سال چاپ یا تحریر ۱۳۴۰ هـ ق عدد اوراق
جزء کتب فقه شماره
۱۵۷۰۶
شمارهٔ عمومی ۲۶۹۷۰ شماره قبل
واقف میرزا محمد فقیه تاریخ وقف مهر ۱۳۴۹
طول ۲۲ عرض ۱۷ گنجه

سال ۱۳۴۸ خورشیدی
بازبینی شد

اسید زدایی شد
تاریخ ۷۰/۱/۲۴

ج زرگران

سال ۱۳۱۸ خورشیدی
بازرسی شد

هذه رسالة رضاعية للفقيه التبريزي

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله كما هو اهله وصلى الله على محمد وآله **وبعد**
چنين گويد بندهٔ فقير محمد اسماعيل تبريزی بعد از نوشتن رسالهٔ
رضاعيه برسالهٔ مشتمله بدوازده مسئله رسيدم كه بعض علما حكم
بحرمت نموده ومنشأ اشتباه شايد توهم عموم منزلة وتصوير ملازمة
بوده باشد مابين عناوين محرمه وما في المقام بالنكه معنى يحرم من الرضاع
ما يحرم من النسب انه اذا كان موضع الرضاع نسب يتحقق فيه احد العناوين
المحرمة الكتابية فالمحرمة ثابتة بالرضاع لا انها فيما اذا ثبت بالرضاع شيء
آخر بمعناها تحليلاً او ما يلازمها عرفاً **وبالجملة** ان مجموع ما
في الرسالة المشار اليها هو ان ترضع الزوجة اخاها او اختها او
اولادهما او ولد ولدها او عمتها او عمها او خالها او خالتها او
اولادهما او اخ او اخت زوجه او اولادهما او ولد ولده

وعم او عمته او خاله او خالته فلوضوح المسائل عندي ما تعرضت
اليها مجدداً لما ستعرف ما عندنا في الثاني وان تكلف المحقق ره و
شدد النكير على من حرمها في رسالته المعروفة **وبالجملة**
فهذه رسالة رضاعية موعودة لبعض احبابي مشتملة
على مائة مسئلة **مقدمة** قال الله عز وجل وامهاتكم
اللاتي ارضعنكم واخواتكم من الرضاعة وفي المعتبرة
يحرم من الرضاع ما يحرم من النسب **بدانكه** انساب سبعة ونظائرها
وغيرها چنانچه حرام اند همچنين اگر در جای اينها رضاع
شده باشد حرمت محقق خواهد شد واين مطلب در ضمن
سه مقام واضح خواهد شد به بيان شرايط واحكام وآداب
مقام اول در شرايط رضاعست كه بتخلف يكی از اينها
حرمت محقق نخواهد شد **شرط اول** شير خالص از پستان
زن زنده بوده باشد پس شير ممزوج ولو به نبات در دهان بچه ويا
از غير پستان كه تحليقش بحلقه شود ويا از مرد ويا از زن مرده نشر حرمت
نمی‌كند **شرط دوم** شير خالص از نكاح صحيح ووطی بوده باشد بعد
از ولادت خواه بعقد دائمی ومنقطع وخواه بملك يمين وتحليل وخواه بشبهه على
الاصح نه بفجور وزنا ونه بدون ولادت ونه قبل از ولادت **وشرط سوم**

سال ١٣٤٨ خورشيدی

گیتی رضاعست زیرا مسمای رضاع اعتبار ندارد پیش امامیه علی المشهور
و این محقق میشود بیك روز و یك شب و یا بروییدن گوشت و قوت
گرفتن استخوان عرفا و لو بتصدیق اهل خبره و شهادت دو عادل و یا بپا
نزده مرتبه کامل متوالی علی الاقوی نه باقل از یك روز و شب و نه بی
رضعات ناقصه و نه بده مرتبه کامله و قول بحرمت در اخیره و لو اینکه
بعضی امامیه قائلست نظر بخبر صحیح گردد اماره فرد دوم این شرط
وارد است و غیرها الذی ینبت اللحم والدم فقال الصادق علیه السلام
ان یقال عشر رضعات قلت فهل یحرم عشر رضعات قال دع ذا ما یحرم
من النسب یحرم من الرضاع الا اینکه آثار تقیه از صحیح ظاهر است لهذا
اعراض از آن لازم چنانچه ائمه اعراض فرموده اما احتیاط طریق نجات
است **شرط چهارم** شیر خوردن طفل در دو سالگی آن شده
باشد والا برای آن شیر خوردن اثر ندارد زیرا وارد شده در بعض معتبره
لا رضاع بعد فطام یعنی بعد الحولین و اما بچه مرضعه دو سالگی آن چندان
اعتبار ندارد و لو اینکه بعض رواة و بعض قدماء بلکه بعض مشایخ عصر
اعتبار نموده اند نظر بحدیث سابق و طریق احتیاط مختلف است گاهی
در قول مشهور و گاهی در خلاف آن غفلت نباید کرد و اما صحیح و مریض
نبودن طفل دلیل درستی ندارد و لو اینکه اگر بمرتبه شده باشد در

مرتبه که شیر بخورد قی نماید اثری نخواهد شد برای این شیر زیرا که
گذشت باید آن شیر باعث روییدن گوشت و قوت استخوان بشود و در
صورت مفروضه این شرط محقق نخواهد شد **شرط پنجم** اینست
که شیر دو مرتضع از یك شوهر بوده باشد پس اگر شیر دو
شوهر را بیك طفل بدهد نصف عدد از شیر یکی و نصف دیگر
از دیگری و یا یك دختر از شیر یکی و یك پسر را از دیگری حرمت
محقق نخواهد شد چنانچه اگر دو زن مرد بیك طفل و یا بدو
طفل شیر دهند حرمت محقق خواهد شد بناء بر اعتبار
اتحاد مرضعه **مقام دویم** در احکام و مسائل رضاع
معتبر است **مسئله اول** نشر حرمت میشود با شرایط
سابقه از مرضعه و شوهر آن که صاحب شیر است نسبت به
طفل شیرخوار و اولاد او هرچه پایین برود و از شیرخوار
نسبت بمرضعه و صاحب شیر و اصول و حواشی و فروع اینها
پس مرضعه مادر او و هرقدر بالا رود حرامست بشیرخوار
زیرا که مادر او است و صاحب شیر پدر او هرچه بالا رود
حرامست بر شیرخوار زیرا که پدر او است و برادر آن و خواهر
آن مرضعه و صاحب شیر هرچه بالا روند بشیرخوار حرامست

زیرا که خالو و خاله و عمو و عمه شیرخوار هستند و اما اولاد این
چهار طایفه حرام نمیشوند از رضاع چنانچه در نسب حرام
نبودند و تفصیل این مسئله خواهد آمد **مسئله دویم**
حرام است بر مرد زن پدر رضاعی او و همچنین زن پسر رضاعی
و همچنین مادر رضاعی زن و دختر رضاعی زن و همچنین
و اما خواهر رضاعی زن پس حرام است جمعاً نه عیناً و لو
هم اینکه اینها مصاهریست نه نسب ضعیف است چنانچه در شرح
تبصره تفصیلاً بیان نمودیم **مسئله سیم** حرام است بر
مرتضع اولاد نسبی و رضاعی صاحب شیر اتفاقاً فتوی و نصاً
کتاباً و سنه **واخواتکم من الرضاعة** و همچنین اولاد
نسبی مرضعه و اما اولاد رضاعی مرضعه اگر از همین صاحب
شیر خورده اند پس حرام است و الا حرام نمیشوند علی المشهور
و الاقوی زیرا که گذشت اتحاد فحل در رد و مراضع معتبر
است شرعاً و لو اینکه مراعات احتیاط اولی است خصوصاً
از خلاف طبرسی و غیر آن **مسئله چهارم** حرام است
بر پدر شیرخوار اولاد صاحب شیر خواه نسبی بوده خواه
رضاعی زیرا که اینها بمنزله دختران اوست علی ما هو المنصوص

خلاف القاعدة و همچنین حرام است باو اولاد نسبی مرضعه
بجهة همین وجه و اما اولاد رضاعی مرضعه از غیر صاحب
شیر پس حرام نیست چنانچه گذشت در نکاح مرتضع **مسئله
پنجم** اگر مادر زن شخص و یا زن پدرش شیر دهد بر طفل او
حرام میشود آن زن بشوهر خود زیرا که اکنون بواسطه رضاع
از اولاد مرضعه و صاحب شیر می شود و گذشت اینکه
بر پدر مرتضع حرام اند بدون فرق ما بین سابق و لاحق
مسئله ششم حلال است اولاد مرضعه بر برادران
مرتضع و لو اینکه حرام اند بر خود مرتضع و پدر آن زیرا در
نسب گاهی حلال میشود بلی مکروه است بجهة نص که ما
احب ان اتزوج اخت اخی من الرضاعة که ظاهر در کراهت
است نه حرمت و لو اینکه شیخ طوسی ره و ابن ادریس قائل بحرمت
شدند و لذا احتیاط خوب است **مسئله هفتم** اگر زن
بزرگ بزن کوچک شخص شیر کامل دهد بعد از دخول با
شب همین شوهر پس هر دو زن حرام می شود بآن شخص زیرا
که زن بزرگ مادر زن کوچک دختر رضاعی می باشد و اگر
با شیر غیر بشود زن بزرگ حرام می شود نه کوچک زیرا اول

مادر زن است و آن حرام است قبل از دخول بدختر بنابر ملحوظ شده
خفات نشود **مسئلهٔ هشتم** اگر دو زن بزرگ داشته باشد
یکی شیر کامل بدهد بزن کوچک حرمت تحقق نمیشود بتفصیل
سابق و شیر دادن دیگری اثر ندارد زیرا که آن شیر داده به
دختر شوهر خود در حالت ثانیه چنانچه در نص است و لو احتیاط
در حرمت است زیرا که مادر زن است بوجهی **مسئلهٔ نهم**
اگر مادر شخص و یا زن پدرش شیر بدهد بزن کوچک آن شخص
حرام میشود بشوهر خود زیرا بواسطهٔ رضاع خواهر شوهر
و خواهر رضاعی مثل نسبی حرام است **مسئلهٔ دهم** اگر زن
جد پدری و مادری شیر بدهد بزن کوچک آن حرام میشود
بشوهر خود زیرا بواسطه رضاع خواهر پدر و یا مادر شده
پس عمه و خاله از رضاع مثل نسبی حرام است و همچنین اگر قبل
از عقد این شخص و یا نظائر آن که گذشت حاصل بشود پس
حرام ابدی خواهد شد **مسئلهٔ یازدهم** زن برادر
شخص و یا خواهر آن شیر بدهد بدختر پس این دختر با شخص
حرام میشود زیرا که بنات الاخ والاخت چنانچه از نسب حرام
است و از رضاع همکذلک و همچنین است اگر دختر در حبالهٔ

آن شخص بوده باشد زیرا فرق ما بین رضاع سابق و لاحق ندارد
مسئلهٔ دوازدهم اگر زنی شیر دهد بطفلی و با مادر
آن و با جدهٔ پدری و با مادری و با زن برادر آن زن و با خواهر
آن شیر بدهد بآن طفل با شرائط سابقه پس آن زن حرام میشود
بآن طفل و هرگاه بعد از عقد باشد عقد باطل میشود زیرا
در اول پسر او و در دوم برادر و در سیم عمو در چهارم خالو
و در پنجم پسر برادر و در ششم پسر خواهر آن زن خواهد شد
و اینها چنانچه از نسب حرام است از رضاع هم کذلک یحرم من
الرضاع ما یحرم من النسب **مسئلهٔ سیزدهم** هرگاه یک زن
مرضعه طفل شیر کامل بدهد بشیر یک شوهر حرمت فیما بین
همه طفلها و زوجین ثابت میشود و همچنین است هرگاه هر یکی یک زن
از زنهای متعدده آن شوهر شیر کامل بدهد زیرا اتحاد فحل لازم
است نه اتحاد مرضعه چنانچه در شرائط گذشت **مسئلهٔ چهاردهم**
هرگاه دو زن کبیره مدخوله بشیر شوهر بدو زن صغیره آن شیر کامل
بدهند هر یکی بیکی هر چهار تا حرام میشود دو تا مادر زن است و دو تا
دختر و اگر هر دو تا صغیره تا دو زن اجنبیه شیر دهند در مرتبه اخیر
هر دو تا یک مرتبه سیر شوند آنها حرام میشوند زیرا جمع بین الاختین

بشیرخوار زیرا که آن مادر اوست **مسئلهٔ دویم** حلال
است شیرده باصل شیرخوار خواه پدر آن باشد و خواه جد پدری
و یا مادری بعهد اما اول زیاده از مادر نسبی نیست و اما دویم زیرا
که عروس پسر حرام است بجد **وحلائل ابنائکم** در اینجا همین عنوان
صادق نیست و اما سیم زیرا که مادر پسر دختر از نسب برای جد
حرام است بجهت بودن آن دختر جد پسر در اینجا این عنوان صادق
نیست **مسئلهٔ سیم** حلال است شیرده بحاشیه شیرخوار اگر
برادر آن بوده باشد زیرا که آن مادر رضاعی برادر است و ما
در نسبی برادر حرام است از جهت اینکه مادر است و یا زن پدر
لا تنکحوا ما نکح آباؤکم و هیچ یکی از اینجا صادق نیست و اما
شیرده بفروع حاشیه که آن پسر برادر و یا خواهر شیرخوار بوده
باشد حرام نیست بطریق اولی **مسئلهٔ چهارم** حرام است
شیرده بفروع شیرخوار خواه پسران بوده باشد و یا پسر پسر و
یا پسر دختر آن زیرا که آن مادر پدر آنها است چنانچه مادر
در پدر و مادر خود از نسب حرام است بالنص والاجماع و همچنان
رضاع **مسئلهٔ پنجم** حرام است شیرخوار پسر باشد و
یا دختر باصل شیرده زن باشد و یا مرد زیرا که شیرخوار ان

حلال است شیرده باصول شیرخوار

حلال است شیرده بحواشی شیرخوار

حرام است شیرده بفروع شیرخوار

حرام است شیرخوار باصول شیرده

(نواده)

نواده اصل شیرده است چنانچه از نسب نواده نسبی حرام است رضاعی هم
کذلک **مسئلهٔ ششم** حلال است اصل شیرده زن باشد و یا مرد
باصل شیرخوار مرد باشد و یا زن چنانچه نظیر این گذشت در مسئله دویم
مسئلهٔ هفتم حلال است اصل شیرده خواه پدر او باشد و یا
مادر آن بحاشیه شیرخوار خواهر او باشد و یا برادران و همچنین حلال
است بفرع حاشیه زیرا جد و جده برادر یا خواهر از نسب بر خواهر و
برادر و اولاد ایشان حرام نیست و همچنین از رضاع **مسئلهٔ هشتم**
حرام است فرع شیرخوار پسر او باشد و یا دختر آن باصل شیرده خواه
مادر او باشد و یا پدران زیرا که اینها جده و جد آنها است چنانچه در
نسب حرامند و همچنین در رضاع **مسئلهٔ نهم** حرام است فرع
نسبی شیرده پسر او باشد و یا دختر آن از همین شیر خورده باشد یا نه
بخود شیرخوار دختر باشد و یا پسر زیرا که آنها اولاد مادر خود است
و اما فرع رضاعی از غیر همین شیر پس حرام نیست علی الاقوی و لو اینکه
طبرسی اینها هم حرام میداند احتیاط طریق نجات است **مسئلهٔ دهم**
حرام است فرع شیرده دختر باشد و یا پسر باصل شیرخوار پدر باشد
و یا مادر بجهت نص و لو اینکه اولاد شیرده بمنزلهٔ اولاد اصل شیرخوار نیست
و لو اینکه مقتضای قاعده عدم حرمت است زیرا خواهر پسر و یا برادر دختر

حلال است اصل شیرده باصل و حواشی شیرخوار

حرام است فروع شیرده باصول شیرخوار

(شخص)

شده است بلی یکی را بعد عقد نمودن صحیح است **مسئلهٔ پانزدهم** مهر مدخوله را باید شوهر بدهد زیرا بدخول در ذمهٔ او مستقر میشود و مهر غیر مدخوله ساقط است زیرا بواسطهٔ فعل خود نکاح باطل شده است و مهر صغیره از ذمهٔ زوج ساقط و در ذمهٔ مرضعه ثابت است زیرا سبب بطلان او است مگر اینکه خود صغیره در مرتبهٔ اخیره خود بخورد در حال خواب کبیره شیر بخورد انوقت خوردنش سبب بطلان عقد و سقوط میشود **مسئلهٔ شانزدهم** اگر زن صغیر بسبب عیب طفل عقد را فسخ نمود پس زن دیگری شد ابشیر آنشوهر این طفل را شیر داد برای شوهر دو تهم حرام میشود زیرا بواسطهٔ شیر این طفل پسر شوهر شد و حلیلهٔ و عروس طفل حرامست بر پدر **مسئلهٔ هفدهم** هرگاه شخصی زن بزرگ داشت مدخوله و برادر آن زن کوچک داشت هر یک از دو برادر طلاق داده زن دیگری را گرفت بعد زن بزرگ شیر شوهر بزن کوچک شیر داد کبیره هر دو حرامست زیرا که آن مادر زن است و صغیره هم هر دو حرامست اما برای اولی زیرا که ربیبهٔ او و دختر برادر است واما برای دومی هم ربیبه و هم دختر رضاعی نیست بلی اگر کبیره مدخوله نشده باشد بیکی از آن دو زوج و برادر هم نشوند صغیره بر آن حرام نخواهد شد زیرا ربیبهٔ زن غیر مدخوله حرام نیست **مسئلهٔ هیجدهم** دختر رضاعی

موطوئهٔ پدر یا هر چه بالا رود خواه نا نیز عمو و خاله زائی باشد یا پدر و یا مادر رضاعی آن هر چه بالا رود و یا دختر رضاعی پسر موطوئه هر چه پایین رود و یا مادر رضاعی آن هر چه بالا رود حرامست بر زانی و لواط چنانچه در نسب حرامست **مسئلهٔ نوزدهم** حرامست جمعا خواهر رضاعی زوجه و همچنین موطوئه مسطع بزوجیه خود بلکه خواهرزاده و برادرزاده رضاعی هرگاه خاله و عمه راضی نشوند حرامند جمعا نظیر نسبی **مسئلهٔ بیستم** اگر وطی نماید مادر و یا خواهر و یا دختر و یا پسر و یا برادر رضاعیات زن خود را باطل نمیشود نکاح زیرا که حرام محرم حلال نیست ولو اینکه حرام میشود اگر قبل از عقد شده باشد نظیر نسب چونکه ملتمس این رساله طالب تفصیل بوده و شیخ مشایخ ما اعلی الله مقامه ملاحظه نموده تارهٔ مرتضع و اصول و حواشی و فروع آن و اخوه مرضعه و فحل را گذاشته دار ضرب چهار بر هشت سی و دو را حاصل میشود و ثالثة شیر دادن زوجه برادر و خواهر و اولاد آنها و عمومه و خوله و اولاد آنها و ولد ولد خود و همچنین در طرف زوج که بر هیجده صورة میرسد و مجموع اینها پنجاه را بلکه زیاده است چنانچه خواهد آمد لهذا تفصیلا در ضمن چهل و پنج مسئله بیان خواهد شد ولو اینکه بعضی از آنها اجمالا فیما قبل معلوم شده **مسئلهٔ اول** حرامست شیرده

حلال **مسئلهٔ دویم** مادر اوست زیرا اگر آن بشیرخوار
است شیرده باصل شیرخوار خواه پدر آن باشد و خواه جد پدری
و یا مادر هر سه اما اول زیاده از مادر نسبی نیست و اما دویم زیرا
که عروس پسر حرامست بجد **وحلائل ابنائکم** در اینجا همین عنوان
صادق نیست و اما سیم زیرا که مادر پسر دختر از نسب برای جد
حرامست بجهت بودن آن دختر جد پسر در اینجا این عنوان صادق
نیست **مسئلهٔ سیم** حلال است شیرده بحاشیه شیرخوار که
برادر آن بوده باشد زیرا که آن مادر رضاعی برادر است و مادر
برادر نسبی حرامست از جهت اینکه مادر است و یا زن پدر
لا تنکحوا ما نکح آباؤکم و هیچ یکی از اینها صادق نیست و اما
شیرده بفروع حاشیه که آن پسر برادر و یا خواهر شیرخوار بوده
باشد حرام نیست بطریق اولی **مسئلهٔ چهارم** حرامست
شیرده بفروع شیرخوار خواه پسران بوده باشد و یا پسر پسر
یا پسر دختر آن زیرا که آن مادر پدر آنها است چنانچه مادر
در پدر و مادر خود از نسب حرامست بالنص والاجماع و همچنان
رضاع **مسئلهٔ پنجم** حرامست شیرخوار پسر باشد
یا دختر باصل شیرده زن باشد و یا مرد زیرا که شیرخوار

حلال است شیرده باصول شیرخوار
حلال است شیرده بحاشیه شیرخوار
حرامست شیرده بفروع شیرخوار
حرامست شیرخوار باصول شیرده

نواده اصل شیرده است چنانچه از نسب نواده نسبی حرامست رضاعی هم
کذلک **مسئلهٔ ششم** حلال است اصل شیرده زن باشد و یا مرد
باصل شیرخوار مرد باشد و یا زن چنانچه نظیر این گذشت در مسئلهٔ دویم
مسئلهٔ هفتم حلال است اصل شیرده خواه پدر او باشد و یا
مادر آن بحاشیه شیرخوار خواهر او باشد و یا برادران و همچنین حلال
است بفرع حاشیه زیرا که جد و جدهٔ برادر یا خواهر از نسب بر خواهر و
برادر و اولاد ایشان حرام نیست و همچنین از رضاع **مسئلهٔ هشتم**
حرامست فرع شیرخوار پسر او باشد و یا دختر آن باصل شیرده خواه
مادر او باشد و یا پدر آن زیرا که اینها جده و جد اینها است چنانچه در
نسب حرامند و همچنین در رضاع **مسئلهٔ نهم** حرامست فرع
نسبی شیرده پسر او باشد و یا دختر آن از همین شیر خورده باشد یا نه
بخود شیرخوار دختر باشد و یا پسر زیرا که اینها اولاد مادر خود است
و اما فرع رضاعی از غیر همین شیر پس حرام نیست علی الاقوی و لو اینکه
طبعیت اینها هم حرام میدانند احتیاط طریق نجاة است **مسئلهٔ دهم**
حرامست فرع شیرده دختر باشد و یا پسر باصل شیرخوار پدر باشد
و یا مادر بجهت نص و لو اینکه اولاد شیرده بمنزلهٔ اولاد اصل شیرخوار نه
ولو اینکه مقتضای قاعده عدم حرمت است زیرا خواهر پسر و یا برادر دختر

حلال است اصل شیرده باصول شیرخوار
حلال است اصل شیرده بحاشیه شیرخوار
حرامست فرع شیرخوار باصل شیرده
حرامست فرع شیرده باصل شیرخوار

شخص دختر خود را به شخص تزویج نماید ولد او فرزند رضاعی شیرده اگر از غیر این شیر
باشد حرام نیست ولو اینکه مقتضای احتیاط جهت است ...
مسئله یازدهم حرام نیست دختر و پسر شیرده به برادر و خواهر
رضاعی شیرخوار اتفاقاً و همچنین به برادر و خواهر نسبی او علی الاقوی
و نیز خواهر و برادر دو شخص از رضاع و من جهة نیست در نسب
فضلاً از رضاع چونکه در نص مسئله مطابقه مهمل است اینها بمنزله
اولاد پدر است و بعضی قول بحرمت قائل شده اند لهذا مراعات
احتیاط حسن است **مسئله دوازدهم** حرام است
پسر و دختر شیرده بدختر و پسر شیرخوار زیرا که خال و خاله شخص
از نسب حرامند و همچنین است در رضاع واما اولاد اولاد شیر
ده با اولاد شیرخوار وان نزلت پس حرام نیست زیرا که اولاد خال و خاله
از نسب حرام نیست و هکذا از رضاع **مسئله سیزدهم**
حرام است برادر و خواهر شیرده بخود شیرخوار و اولاد او زیرا
که خال و خاله شخص و خال و خاله پدر از رضاع حرام است نه
اولاد خال و خاله **مسئله چهاردهم** حلال
است برادران و خواهران شیرده بر مادر و پدر شیر
خوار زیرا که خال بر مادر حرام است بجهة اینکه برادر

(است)

است و خاله پدر حرام است جمعاً بین الاختین و امثال و عنوان در
مقام صادق نیست **مسئله پانزدهم** حلال است برادران
و خواهران شیرده بخواهران و برادران شیرخوار زیرا که خال و خاله
شخص خال و خاله برادر آن شخص نیستند بالبداهة **مسئله**
شانزدهم حرام است برادران و خواهران شیرده با اولاد شیر
خوار زیرا که خال و خاله پدر خال و خاله اولاد او هست چنانچه در
نسب حرام است در رضاع نیز کذلک **مسئله هفدهم**
هرگاه شخصی بزرگ زن داشته مدخوله و برادران زن کوچک را
هر یک از دو برادر طلاق داده زن دیگری گرفت بعد زن بزرگ
بشیر شوهر خود بزن کوچک شیر داده کبیره بهر دو حرام است زیرا
که ام مادر زن است و صغیره هم بهر دو حرام است اما برای اولی
زیرا که ربیبه و دختر برادر است و اما برای دومی هم ربیبه و هم
دختر رضاعی است بلی اگر کبیره مدخوله نشده باشد بیکی از آن
دو زوج و برادر هم نشوند صغیره برای حرام نخواهد شد زیرا که ربیبه
زن غیر مدخوله حرام نیست **مسئله هجدهم** دختر رضاعی
موطوئه بزنا و هرچه پائین رود خواه از نسبت عمه و خاله زانی باشد یا
و با مادر رضاعی آن هرچه بالا رود و یا دختر رضاعی پسر موطوئه و هم

(و هرچه)

وهمچنین پائین رود و با مادر رضاعی این همه با لا رود حرام است به
سبب واسطۀ چنانچه در نسب حرام است مسئلۀ دوّم حرام
است جمعاً خواهر رضاعی زوجه و مملوکه موطوئه بزوج خود
بلکه خواهر زاده و برادر زادۀ رضاعی اینها اگر راضی نشوند حرام
اند جمعاً نظر بنسب مسئلۀ بیستم اگر وطی نماید مادر و یا خو
اهر و یا دختر و یا پسر و یا برادر رضاعیات زن خود باطل نمیشود
نکاح زیرا که حرام عمر حلال نیست ولو اینکه حرام میشود اگر قبل
عقد شده باشد نظر بنسب چونکه مطلبی که در رساله طالب تفصیل
بوده و شیخ مشایخ ما اعلی الله مقامه نادره هر نفع و اصول و
حواشی و فروع آن وا نمی عرضه و نقل را کذلک و از مر چهار
بر هشت سه و دو تا صحیح شود و ثالثه شیر دادن زوجه به
برادر و خواهر و اولاد اینها و ولد ولد خود و هم چنین به طرف زوج
که بهیجده صورت رسد و مجموع اینها پنجاه و نه بلکه زیاده است
چنانچه خواهد آمد هذا تفصیلا در ضمن چهل و پنج مسئله بیان
خواهد شد ولو اینکه بعضی از اینها اجمالاً قبل معلوم شده
مسئلۀ اوّل حرام است شیرده بشیرخوار زیرا که آن مادر
اوست مسئلۀ دوّم حلال است شیرده باصل شیرخوار

خواه پدران باشد و خواه جد پدری و یا مادری اما اول زیرا
از مادر نسبی نیست و اما دوم زیرا که عروس پسر حرام است به جد
وحلائل ابنائکم در اینجا همین عنوان صادق نیست و اما سیم
زیرا که مادر پسر دختر از نسب برای جد حرام است بجهت بودن آن
دختر جد پسر در اینجا این عنوان صادق نیست مسئلۀ سیم
حلال است شیرده بحاشیۀ شیرخوار که برادران بوده باشد زیرا
که آن مادر رضاعی برادر است و مادر نسبی برادر حرام است از
جهت اینکه مادر است و یا زن پدر و لا تنکحوا ما نکح آبائکم هیچ
یکی در اینجا صادق نیست و اما شیرده بفرع حاشیه که آن پسر برادر
و یا خواهر شیرخوار بوده باشد حرام نیست بطریق اولی مسئلۀ
چهارم حرام است شیرده بفرع شیرخوار خواه پسر او بوده با
شد و یا پسر پسر و یا پسر دختران زیرا که آن مادر پدر اینها است
چنانچه مادر پدر و مادر خود از نسب حرام است بالنص والاجماع
و همکذا از رضاع مسئلۀ پنجم حرام است شیرخوار پسر باشد
یا دختر باصل شیرده زن باشد یا مرد زیرا که شیرخوار از نوادۀ
اصل شیرده است چنانچه از نسب نوادۀ نسبی حرام است رضاعی هم
کذلک مسئلۀ ششم حلال است اصل شیرده زن باشد و یا

و با مرد با اصل شیرخوار مرد باشد و با زن چنانچه نظیر این گذشت
در مسئله دوم مسئله هفتم حلال است اصل شیرده خواه پدر
او باشد و یا مادران تجاوز شیرخوار خواهر او باشد و یا برادر
ان و همچنین حلال است فرع حاشیه زیرا جده و جده برادر یا خواهر
از نسب نه خواهر و برادر و اولاد ایشان حرام نیست و همچنین از
رضاع مسئله هشتم حرام است فرع شیرخوار بپسر او باشد
و یا دختران با اصل شیرده خواه مادر او باشد و یا پدران زیرا
در اینها جده و جد او هاست چنانچه در نسب حرامند و همچنین در
رضاع مسئله نهم حرامست فرع شیرده بپسر او باشد و یا دختر
ان از معین شیرخورده باشد یا به مجرد شیرخوار دختر باشد و یا
پسر زیرا که اینها اولاد مادر خود است و اما فرع رضاعی از غیر
لبن شیر این حرام نیست علی الاقوی و لو اینکه طریق رد اینرا هم
حلال میداند احتیاط طریق نجات است مسئله دهم حرام
است فرع شیرده دختر باشد و یا پسر با اصل شیرخوار پدر باشد
و یا مادر بجهت نص در اینکه اولاد شیرده بمنزله اولاد اصل
شیرخوار است و لو اینکه مقتضای قاعده عدم حرمت است
زیرا خواهر پسر و یا برادر دختر شخص بدختر و پسر شخص نیست و اما

فرع رضاعی شیرده اگر از غیر این شیر باشد حرام نیست و لو اینکه
مقتضای احتیاط حرمت است مسئله یازدهم حرام نیست دختر
و پسر شیرده به برادر و خواهر رضاعی شیرخوار اتفاقا و همچنین
به برادر و خواهر نسبی او علی الاقوی زیرا خواهر و برادر برادر
شخص از عناوین محرمه نیست در نسب فضلا از رضاع چونکه در تفریع
مسئله سابقه معلل است بمنزله اینها اولاد پدر است و بعض بحرمت
هم قائل شده اند لهذا مراعات احتیاط حسن است مسئله
دوازدهم حرامست پسر و دختر شیرده با دختر و پسر شیرخوار
زیرا که خال و خاله شخص از نسب حرامند و همچنین است در رضاع
و اما اولاد اولاد شیرده با اولاد شیرخوار و این مرتکب پس حرام
نیست زیرا که اولاد خال و خاله از نسب حرام نیست و هکذا از رضاع
مسئله سیزدهم حرامست برادر و خواهر شیرده به مجرد شیر
خوار و اولادان زیرا که خال و خاله شخص و خال و خاله پدر او
رضاع حرامست نه اولاد خال و خاله مسئله چهاردهم حلال
است برادران و خواهران شیرده بر مادر و پدر شیرخوار زیرا
که خال بر مادر حرامست بجهت اینکه برادر او ست و خاله بر پدر
حرامست جمعا بین الاختین و این دو عنوان در مقام صادق

است مسئلهٔ پانزدهم حلالند برادران وخواهران شیرده
بخواهران و برادران شیرخوار زیرا که خال وخالهٔ شخص خال و
خالهٔ برادر شخص نیستند بالبداهه مسئلهٔ شانزدهم حرامند
برادران وخواهران شیرده باولاد شیرخوار زیرا که خال وخالهٔ
پدر خال وخالهٔ اولاد اند چنانچه در نسب حرام است در رضاع
هم کذلک مسئلهٔ هفدهم حرامست بصاحب شیر خود شیرخوار
زیرا که او دختر اوست دختر نسبی و رضاعی حرامست مسئلهٔ
هیجدهم حلالست بصاحب شیر مادر شیرخوار زیرا که مادر شخص
... اولی بحلیت است مسئلهٔ نوزدهم حرامست بصاحب
شیرخواهران شیرخوار زیرا که اینها بمنزلهٔ دختران خود است و
این مسئله خارج است از قاعدهٔ نص چنانچه گذشت مسئلهٔ
بیستم حرامست بصاحب شیر دختران شیرخوار زیرا که نوادهٔ
او هستند مسئلهٔ بیست ویکم حرامست پدر و مادر صاحب
شیر بخود شیرخوار زیرا که جد وجدهٔ او هستند مسئلهٔ بیست
ودوم پدر و مادر صاحب شیر حلالست بر مادر و پدر
شیرخوار زیرا حرمت در اول بجهة اینست که دختر اوست ودر
دوم بجهة اینست که مادر زن است و همین دو عنوان در ... اینجا

تحقق نیست مسئلهٔ بیست وسیم حرامست پدر و مادر صاحب
شیر بخواهران و برادران شیرخوار بنا بر وجهی زیرا که در صاحب
شیر گذشت ولو اینکه اقوی حلیت است اقتصاراً فیما خالف الاصل
علی القدر المتیقن من مورد النص مسئلهٔ بیست وچهارم
حرامست پدر و مادر صاحب شیر بدختر و پسر شیرخوار زیرا که
جد وجدهٔ شیرخوار جد وجدهٔ اولاد اوست مسئلهٔ بیست و
پنجم حرامست پسر و دختر صاحب شیر نسباً و رضاعاً بخود شیرخوار
زیرا که اخوات رضاعیه مثل نسبیه حرامست مسئلهٔ بیست
وششم حرامست اولاد صاحب شیر به پدر و مادر شیرخوار
زیرا که اینها بمنزلهٔ اولاد ایشانست مسئلهٔ بیست وهفتم
حلالست اولاد صاحب شیر به برادران وخواهران شیرخوار ولو
اینکه احتیاط در حرمت است مسئلهٔ بیست وهشتم حرام
است اولاد صاحب شیر باولاد شیرخوار زیرا که عم وعمهٔ شخص
از نسب و رضاع حرامست ولو اینکه اولاد اولاد صاحب شیر
حرام نیست چنانچه گذشت غفلت نشود مسئلهٔ بیست و
نهم برادران وخواهران صاحب شیر بخود شیرخوار حرامست
زیرا که عم وعمهٔ اوست و اما اولاد ایشان پس حرام نیست مسئلهٔ

زن انوقت حرام میشود که جده زن شده باشد و در مقام
این عنوان صادق نیست **مسئلهٔ سی و نهم** اگر زن شیر
بدهد باولاد عموها و خالهای خود حرام نمیشود بزوج خود
زیرا که شوهر عمه و خاله نمیشود بواسطهٔ رضاع و مادر او
اولاد عمه و خاله حرام است انوقت جمعا که راضی نشود عمه و
خاله به نکاح دختر برادر و خواهر و اینجا تعدد اعتباری
است و عنوان محرم محقق نخواهد شد **مسئلهٔ چهلم** حرام
نمیشود زن اگر شیر دهد به برادر و یا خواهر شوهر خود زیرا
زیرا که مادر برادر و یا خواهر شوهر خود مادر شوهر نیست
مسئلهٔ چهل و یکم هرگاه زن شخص شیر بدهد باولاد
برادر شوهر خود حرام نمیشود زیرا که مادر اولاد برادر
شوهر حرام نیست باو **مسئلهٔ چهل و دویم** اگر شیر
دهد زن شخص باولاد خواهر خود شوهر حرام نمیشود به
شوهر خود زیرا که مادر اولاد خواهر انوقت حرام است که
این مادر خواهر شوهر خود بوده باشد و معلوم است عنوان
صادق این عنوان در اینمقام **مسئلهٔ چهل و سیم**
هرگاه شیر دهد زن شخص باولاد اولاد شوهر خود حرام

نمیشود انزن باین شوهر ولو اینکه جده اولاد خود بوده
است زیرا جده اولاد انوقت به پدر حرام است که دختر خود
و یا زن پسر او شده باشد **مسئلهٔ چهل و چهارم** اگر
زن شیر بدهد بعموی و یا عمه شوهر خود حرام نمیشود باو زیرا
که مادر عمو و عمه مادر پدر نیست تا اینکه جده شوهر بشود
مسئلهٔ چهل و پنجم هرگاه زن شخص شیر بدهد بخال
و خاله آن شخص حرام نمیشود باو زیرا که مادر خال و خاله
مادر مادر شوهر نمیشود تا اینکه حرام بشود باو و بدانکه
این سیزده مسئلهٔ اخیره را قائل بعموم منزلت ذکر نموده و حکم
بحرمت فرموده اند لهذا ذکر شد که دلیل درستی ندارد
بحرمت ولو اینکه در بعضی اینها احتیاط خوب است **مقام
سیم** در آداب رضاع و ملحقات اوست و در ضمن چند
مسئله معلوم خواهد شد **مسئلهٔ اول** مستحب است
اختیار دایهٔ عفیفه و مؤمنه و عاقله و جمیله ولو اینکه
مادر طفل از همه بهتر و شیر ان مناسب مزاج اوست بلکه
اگر اجرت بخواهد باید پدر طفل بدهد مگر اینکه ان
دایه زیاده بخواهد انوقت بدایه دادن مانعی ندارد

در مسائل رضاع

وسزاوار است که شیر را دو سال تمام بدهد مگر بجهة
ضرورت کمتر زیاد و کم آن عیب ندارد و سنت است احترام
اقوام و اقرباء رضاعی را بلکه وصیت نمودن بچیزی ولو اینکه
ارث نمیبرند مکروه در بعضی صور بر بعضی وجوه **مسئلهٔ دویم**
مکروه است استیجار دایهٔ کم عقل و احمق و غیر اثنا عشریه و یا
بد سیرت و یا بد صورت و یا کج خلق و یا حرام زاده و غیر اینها
زیرا که شیر را تأثیر خاصی داد در مزاج طفل و حرام نیست
کرایه دادن شوهر بدهد مگر در جاهای که مانع حق شوهر بوده
و یا اینکه رضاع محرمه بعض زنهای شوهر بشوهر بشود
مسئلهٔ سیم اگر غیر مسلمه شیر بدهد بطفل لازم است منع
نمودن آن از حرام خوردن مثل شراب و گوشت میته و از حمل
نمودن طفل بمنزل خود **مسئلهٔ چهارم** اگر بزغالة شیر زن
بخورد حرام نیست خوردن آن ولو اینکه مکروه هست مثل بیع کنی
یکه شیر داده بسید خود بنا بر وجهی ولو اینکه اوجه حرمت است
زیرا که مادر رضاعی میشود **یحرم من الرضاع ما یحرم من
النسب** ❊ **مسئلهٔ پنجم** جائز نیست فروختن غلامی که
شیر داده بآقای آن زیرا که پسر او میشود بلکه در خبر صحیح وارد

شده

شده که بمجرد شیر دادن آزاد میشود **مسئلهٔ ششم** حرام است فروختن
و گرفتن عمودین رضاعیین بلکه بمجرد ملک آزاد میشوند چنانچه عمودین نسبیین
مسئلهٔ هفتم ثابت میشود رضاع بشهادت دو عادل بلکه ثبوت آن
بچهار نفر زن عادله خالی از قوت نیست ولی باید مفصلا با شرایط سابقه
شهادت نمایند **مسئلهٔ هشتم** هرگاه شک حاصل بشود در حصول رضاع
محرم اصل عدم تحقق رضاع محرم است خواه قبل از عقد و خواه بعد از آن بلی
طریق احتیاط واضح و روشن است ولذا علما امکن نهی نمودن زنها از
رضاع لازم است تا اینکه یک وقت بحرام نیفتند **مسئلهٔ نهم** هرگاه یکی
از زوجین مدعی رضاع کامل بشود و دیگری هم تصدیق او نماید و یا اینکه
بینهٔ شرعیه قائم بشود نکاح باطل و مهر ساقط است ولو اینکه بعد از دخول بوده
باشد و الا بقانون مرافعه قطع منازعه خواهد شد ظاهرا ولو اینکه بهر یکی
لازم است عمل بعلم خود و اتقا من باب الاحتیاط وجعلنا من المحتاطین فی
دینه **خاتمه** قال الله تعالی والوالدات یرضعن اولادهن حولین کاملین الخ
واین آیه مشتمل بچند حکم است اول واجب است شیر دادن مادرها به بچهای
خودشان دوم تمام مدت رضاع دو سال کامل قمری است نه شمسی و نه زکوی
ولو اینکه منقا لمن اراد ان یتم الرضاعة و صحیح حلبی جواز رضاع کمتر از دو سال
است لکن مضمون موثق سماعة از صادق ع آنست کمتر از بیست و یک ماه ظلم است
به بچه سیم واجب است بر پدر ولو طلاق داده باشد نفقه و کسوهٔ مادرها بقدر
معروف ولائق بحال ایشان از جهت رضاع نه زوجیت وعلی المولود له رزقهن وکسوتهن

بالمعروف چهارم واجب نیست اجرت بر پدر مگر وقتیکه تمکن و وسعت اگر بچه مال
نداشته باشد و الّا بعهده مال خود است اجرت رضاع لا تکلّف نفس الّا وسعها
پنجم ضرر بر مادر و پدر از جهت اجرت رضاع و منع از جماع بسبب ولد تشریع نشده
بلکه منهی است چنانچه فرموده لا تضارّ والدة بولدها و لا مولود له بولده ششم
وارث خواه پدر پدر باشد و خواه مادر و خواه غیرهما قائم مقام پدر است در
جمیع مذکورات وعلی الوارث مثل ذلک هفتم هرگاه مصلحت و مشاورة
و تراضی بینهما مقتضی فصال بچه بوده باشد قبل از حولین و یا بعد از آن جائز
است فان ارادا فصالا عن تراض منهما و تشاور فلا جناح علیهما هشتم
در صورت تعذر و تعسر مادر و اراده غیر آن جائز است دایه گرفتن و اجرت
رضاع را بشیر دادن بجهت رغبت و میل نمودن آن وان اردتم ان
تسترضعوا اولادکم فلا جناح علیکم اذا سلّمتم ما آتیتم بالمعروف نهم
لازم است تقوی نمودن در اعمال سابقه چنانچه
فرموده واتقوا الله واعلموا ان الله بما
تعملون بصیر جعلنا الله من
العلماء العاملین و کان
ختمه بید مصنفه
محمد
اسماعیل التبریزی فی اللیلة الحادیة عشر من شهر الربیع الثانی
من السنة المتممة للاربعین بعد الالف و ثلثمائة ۱۳۴۰

سال ۱۳۱۸ خورشیدی
بازبینی شد

٢٩٧/
٣٦
ن
٧٩٥
ر
١٣٢٠